

صفحات ۲۰۸ - ۱۹۵

سیمای اخلاقی و رفتار تربیتی عیسوی در آثار کمال الدین اصفهانی

زهرا شیحکی^۱حبیب جدیدالاسلامی قلعه نو^۲

چکیده

در گنجینه ادبیات اسلامی، پیامبران به عنوان اسوه‌های بی‌نقص بشریت، جایگاهی بس والا و قابل ستایش دارند. یکی از این شخصیت‌های آرمانی که سخن‌سرایان و نویسندگان در آثارشان به ذکر نام و یاد مبارکش تبرک جستند، حضرت عیسی مسیح (ع) می‌باشد که موت و حیاتش سراسر شگفتی است. کمال الدین اسماعیل اصفهانی شاعر نکته‌دان صاحب‌قریحه، در میانه سخن، برای بیان رویدادهای ذهنی و عینی روزگار خویش، و نیز برای افزایش تأثیر حکم و مواعظ و مدایح، بر سبیل تلمیح و اشاره، به وقایع مهم زندگی آن حضرت، از تولد تا عروج، چشم داشته‌است. زمینه اطلاعات این بزرگوار، قرآن مجید، روایات، اخبار و تفاسیر و قصص قرآنی است. از پختگی ابیات می‌توان میزان احاطه‌ی وی را به این مبحث دریافت. آنچه کمال‌الدین اسماعیل از حضرت عیسی (ع) به تصویر کشیده‌است، نمونه‌ی اعلائی از خصایص وجود نازنین و پاک آن حضرت می‌باشد. در سطور آینده، شواهد و مستندات آنکه در خصوص سیمای حضرت عیسی (ع) از دیوان این شاعر بزرگ گردآوری شده، تحت عناوینی همچون: وجه تسمیه، تولد شگفت، نطق در گهواره، عروج بر افلاک، معجزات و... طبقه‌بندی و تشریح گردیده‌است.

واژگان کلیدی

اخلاق، تربیت عیسوی، حضرت عیسی مسیح (ع)، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی.

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

Email: zshey75@Gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

Email: Eslami2631@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

طرح مسأله

خداوند بشر را بر سایر مخلوقات برتری داد و او را به عنوان جانشین خویش بر روی زمین انتخاب فرمود و برای رهایی و رستگاری وی پیاپی فرستادگانی را به سویش گسیل داشت تا روح بیمار غفلت‌زدگان را معالجه‌نمایند و از انحرافات اخلاقی و اجتماعی و اعتقادی برحذردارند. پس از ظهور اسلام و علی‌الخصوص در قرن‌های ششم و هفتم هجری بیشتر اهل علم و سخنوران به شرح حال و احوال پیامبران پرداخته‌اند. یکی از این پیامبران که به لحاظ زندگی شگفت و معجزات خارق‌العاده مورد توجه شعرا و نویسندگان قرار گرفته‌است، حضرت عیسی (ع) می‌باشد. که اهل سخن به صورت تلمیح یا تصریح از آن حضرت یاد کرده‌اند. بسیاری از باورهای دینی و اخلاقی و فرهنگی جوامع در زوایای تلمیحات نمود یافته‌است. کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی یکی از شعرای اخلاق‌مدار است که بن‌مایه‌های زندگی حضرت عیسی (ع) را با تلمیحات ظریف، دستمایه شرح و توصیف گنجینه ایمانی‌اش قرار داده و در بسط کلام عبرت‌انگیز و موعظه‌آمیزش به‌کار بسته‌است. عموماً دریافت جان کلام سخنوران و عروج بر بام بلند اشارات و تلمیحات مستور در دواوین شعرا، موجب حلاوت کام خواننده می‌شود و بر تأثیر سخن‌شان می‌افزاید. پرداختن عمیق‌تر به منابع ادبی و بازنگری هدفمند آثار اندیشمندان گذشته می‌تواند تحولات و تأثیرات قابل تأملی در دل‌هایی که از معنویت فاصله گرفته‌اند، ایجاد نماید و پویایی و خلوص و استقامت در برابر مشکلات را در وجودشان بیدارگرداند. محققین بی‌شماری به کنکاش و نقد و بررسی و تحلیل این آثار همت‌گماشته‌اند. تاکنون پژوهش اختصاصی در مورد سیمای حضرت عیسی (ع) در دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی صورت نپذیرفته‌است. در این مقاله سعی بر آن است تا پس از معرفی مختصر کمال‌الدین اسماعیل، شواهد و مستندات شعری دیوانش درباره تلمیح به سیمای نجیب مسیح (ع) و فراز و فرود زندگی آن حضرت ارائه گردد.

مختصری درباره کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی

پرچم طبع کمال‌الدین در شکوفایی قالب قصیده در اوج قرار دارد هرچند که قوالب دیگر را نیز به زیبایی آزموده و آثار ارزنده‌ای را در غزل و رباعی و دوبیتی و ترجیع‌بند و ترکیب‌بند از خویش به‌یادگار نهاده‌است.

وی به عنوان حلقه پیوند سبک خراسانی و عراقی است و باید او را در ردیف شعرای سبک بینابین در ادبیات فارسی قرار دهیم که سخنش آمیزه‌ای از خصوصیات هر دو سبک شعری است.

شعر کمال و احساسش به شدت تحت تأثیر محیط جغرافیایی و اوضاع سیاسی و دینی قرن هفتم است. دانش و تبحر کمال در علوم متداول، قابل تردید و انکار نیست. حجم گسترده و متنوع اصطلاحات پزشکی، نجوم، فلسفه، ریاضی، موسیقی و عرفان بیانگر آگاهی

چشمگیر وی از علوم مختلف است. علاوه بر آن سروده های عربی و تضمین اشعار شعرای عرب، دلیل آشکاری بر اشراف کمال به دقایق زبان و ادب تازی است.

شیوه تصویرسازی کمال الدین اسماعیل

شعر کمال دنیایی از رنگ ها و تصاویر بکر و دست اول است که لطافت خیالش، لطیفه ی روح را می نوازد و وهم و گمان را به بلندای آشیانه سیمرغ خیالش راه نیست. خواننده برای فهم فحوای سخنش ناگزیر به واکاوی گره های تلمیح انباشته در مصارع و ابیات او است تا وسعت اطلاعات دینی و فرهنگی و سیاسی و تاریخی این شاعر دانا را دریابد. با دسته بندی موضوعی این گنجینه بهتر می توان به حوزه گرایشات و علایق وی دست یافت.

سبک و سیاق سخنوری کمال الدین

در تشبیهات کمال الدین، وجه شبه ها اکثراً انتزاعی است. غلبه تشبیه و مضمون آفرینی در شعر کمال چشمگیر است وی قصیده سرایی چیره زبان و مضمون آفرینی خوش بیان است که روح ادب دوستان از برگرفتن دُررِ غلطان اشعارِ نابش طراوت می گیرد. هرچند گاهی از گرفتار شدن در چالش مضامین و مفاهیم بکر و دیرپای دیوان نگران می گردند. وی خواننده را از عشق بینهایت و بیان پر حلاوت خویش مبهوت می نماید و بر شهپر خیال می نشاند و تصاویر دیدنی از معلومات دینی و مذهبی اش را به او می نمایاند.

وجه تسمیه نام مبارک حضرت عیسی (ع)

«بیست و پنج بار نام عیسی و ده بار نام مسیح در قرآن ذکر شده است.» (خزائلی، ۱۳۸۶: ۴۶۳) لفظ عیسی از اصل عبری گرفته شده و ریشه عبری آن شیوع به معنی نجات دهنده است و با نام یوشع و نام الیسع قرابت دارد مقریزی اصل نام عیسی را به زبان عبرانی «یاشوع» به معنی مخلص پنداشته است در زبان اروپایی عیسی را «ژزو» و یوشع و الیسع را «ژزوا» می نامند.» (همان، ۴۶۳)

«حق این است که عیسی صورت عربی شده یسوع است.» (همان: ۴۶۴)

«مسیحیت عنوانی است کلی که که مسیحیان آن را بر حضرت عیسی منطبق میدانند. چنانکه در نظر ما شیعیان مهدویت و قائمیت در وجود مسعود محمد بن الحسن اجتماع یافته است. ضمناً رابطه لفظی مسیح با مشیح و همچنین رابطه لفظی ومعنوی مسیح با متاتیا و مهدی قابل دقت است. در افسانه های ایران قدیم از مشی و مشیانه دو آفریده نخست گفتگو شده و ممکن است لفظ مسیح با آن کلمه هم ریشه باشد و مهر میترا و موشی و موسی نیز قریب به این ریشه اند. در بین یهود عده زیادی در انتظار ظهور (متاتیا) هستند و این لفظ با مهدی قرابت حروفی و معنوی دارد.» (خزائلی، ۱۳۵۰: ۴۶۵)

کلمه ی عیسی به صورت مکرر در ابیات کمال الدین به کار رفته است. که در این بهره گیری

به معجزات و ویژگی‌های خاص آن حضرت در موعظه و وصف ممدوح و معشوق و بهار و شکوفه اشاره کرده‌است.

عیسی زمقدم تو بایام مژده داد از یمن آن سخن نفسش جان بمرده داد
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۳)

مردگان را بنفس زنده‌کنی همچو گر بمعنی نفست هم دم قرآن گردد
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹)

مسیح چوعیسی بیکدم ببرد از درختان صبا آن برص رنگ منکر شکوفه
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۳۴)

ای عیسی زمانه چه داری دمی بزن کین دردگشت مزمن و درمان پدید نیست
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۶۲)

کجا رسد دم عیسی بگرد آن بادی که بوی گیسوی جانان بعاشقان آورد
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۳۴۴)

«روح القدس»

نفته روح القدس باشد الهام خدای هرچه در خاطر و اندیشه او کرد گذار (اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۷۹)

تلمیح به آیه ۱۰۲ سوره مبارکه النحل:

« قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ »

«گوی فرود آورد آنرا جبرئیل از خداوند تو برآستی و سزا تا مومنان را دل و قدم برجای می‌دارد و راهنمونی و بشارتی گردن نهادگانرا». «مییدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ۴۳۷، ۴۳۸»

اثیرالدین را رسمت برزبان قلم پیام روح القدس دم بدم ادا کردن
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۳۷۷)

- حضرت عیسی (ع) و مریم «س»

«سرگذشت شگفت انگیز و افسانه ای مریم عذرا، برخلاف دیگر داستان های قرآن به تفصیل در سوره های متعدد آمده است.» (نیشابوری، ۱۳۸۷: ۵۲۶)

«حنّه همسر عمران ثامن نذر کرده بود که اگر پروردگار او را فرزندی بخشید این فرزند را در راه خدا و راهبردی مردم تربیت کند چندگاهی پس از این پیمان مریم به دنیا آمد. خواهر حنّه، اشیاغ همسر زکریّا پیامبر بود که پیوسته در بیت المقدس به نیایش خداوند می گذرانید. چون مریم به دنیا آمد. حنّه استوار بر پیمان خود او را به زکریّا سپرد تا در بیت المقدس ستایش حضرت حق کند. نبشته آمده که بین دنیا آمدن عیسی و یحیی «که اشیاغ او را در نود و هشت

سالگی به دنیا آورد»، تنها چهل روز فاصله بود.» (همان: ۵۲۶)

«مادر عیسی، مریم، بدون شوی آبستن شد بدین معنی که جبرئیل در آستین مریم دمید و او عیسی را حامله گشت و از این روی عیسی را روح الله گویند. «نساء بخشی از آیه ۱۱۷» «و کلمته القاها الی مریم و روح منه» و لذا به عیسی روح الله گویند البته ارواح همه از اویند اما در اینجا روح الله بر سبیل اختصاص به عیسی نسبت داده شده است.» (شمیسا، ۱۳۸۵، ۴۷۱)

«هنگامی که یهودیان به مریم تهمت زنا بستند او سخن گفتن عیسی را در گهواره دلیل بر بی گناهی خود حجت آورد و عیسی در گهواره سخن گفت: «مریم ۳۰ و ۲۹» «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلَّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» پس اشاره کرد مریم به سوی عیسی. مردم گفتند چگونه سخن گوئیم با کسی که باشد در گهواره کودک. عیسی گفت همانا منم بنده خدا که داد به من کتاب را و گردانید مرا پیمبری.» (همان: ۴۷۲)

«هنگامی که یهودیان درصدد کشتن مسیح برآمدند او با حواریان خود گریخت اما یکی از ایشان به نام یهودا اسخریوطی به ازاء سی درم رشوه، نهانگاه عیسی را آشکار کرد اما یهودیان به دستگیری عیسی موفق نشدند زیرا خداوند اشوع رئیس یهودیها و یا شمعون را به صورت عیسی درآورد و او را به جای عیسی بردار زدند و حال آن که عیسی به آسمان رفته بود.» (شمیسا، ۱۳۷۷: ۴۲۰)

کمال الدین اسماعیل از موضوع دوشیزگی و آستین حضرت مریم (س) و زادن عیسی (ع) در مدح پیامبر اکرم (ص) و وصف بهار و گل و شکوفه استفاده می نماید.

روح الله از آستی — مریم آمدست صد مریم است روح ترا اندر آستینش
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۴)

باغ از دم صبا شد، چون آستین مریم دست نشاط ازین پس، از جیب غنچه مگسل
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹۷)

لعمه رخسار رایت رشک نور موسی شمه لطفتم دم عیسی مریم آمده
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۵۰)

چو مریم به دوشیزگی گشت حامل از آن شد به طفلی محرر شکوفه
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۳۵)

ازیرا چو مریم گه وضع حملش بیای درختی نهد سرشکوفه
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۳۵)

- دم عیسوی

دم معجزه‌گر عیسی (ع) نکته‌ی دیگری است که دست مایه‌اندیشه‌های اغراق‌آمیز شاعر گشته است.

لمعه رخسار رایت رشک نور موسی شمه لطفتم دم عیسی مریم آمده
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۵۰)

زنده کن مرده دلسم را به دمی که دهانتم دم عیسی دارد
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۷۰۲)

تلمیح به قسمتی از آیه ۴۹ سوره مبارکه آل عمران:

«إِنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ: می سازم برای شما از گل برسان مرغ پس می دمم در آن پس می شود پرنده ای به دستوری خدا و بی عیب کنم اکمه و پیس را و زنده کنم مردگان را به دستوری خدا.» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۱۵)

- حضرت عیسی روح الله

حضرت عیسی (ع) به خاطر تولد شگفت و نداشتن پدر لقب روح الله دارد که شاعر به این مورد اشاره می‌نماید.

روح الله از آستی مریم آمدست صد مریم است روح ترا اندر آستین
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۴)

تلمیح به آیات شریفه ۱۹ الی ۳۷ سوره مبارکه مریم:

«قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ، قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا»

«گفت: «جبرئیل، من آن نیم که تو می پنداری» من فرستاده خداوند توام تا ترا بخشم پسری هنری پاک «روزافزون» گفت مرا چون بود پسری؟ و هیچ مردم مرا نساوید «و بمن نرسید» و من زانیه نبودم.»

«قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا»

«جبرئیل» گفت: چنین گفت خداوند تو که آن بر من آسان و خوار است و تا او را نشانی کنم «و شگفتی» مردمان را و بخشایشی از ما نبود آن کاری بود از ما خواسته و گزارده و کردنی.»
«فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا، فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا»

«بار گرفت «مریم» به عیسی. دور شد و آن بار خود در شکم دور برد. درد زه خاستن او را

باز آورد که با تنه خرما بن شد «و پشت خود بدان باز نهاد» «از تنگدلی گفت و شرم» کاشک من بمردمی پیش ازین و من چیزی بود می گذاشته و فراموش شده».

«مریم در زمانی که نامزد یوسف نجار بود به وسیله دم جبرئیل آستن شد. عیسی در زمان «هرودیس» در بیت اللحم یهودیه از مریم باکره متولد شد.» (خزائی، ۱۳۵۰، ۴۵۶)

«فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا، وَهَزَيْ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلَةِ تُسَافِطُ عَلَيْكَ زَطْبًا جَنِيًّا»

«آواز داد او را «عیسی» که در زیر وی بود که اندوهگن مباش خداوند تو زیر تو جوئی کرد بجنبان بسوی خویش خرمابن را تا فرو افتد بر او بر تو خرما ی ترو تازه در هنگام رسیده».

«فَكُلِّي وَأَشْرِبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرِينِ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا»

«رطب» می خور و آب می آشام و «بفرزند» چشم روشن میدار، اگر از مردمان کسی بینی بگوی من پذیرفته ام و پیمان کرده ام خدای را تعالی خاموشی، امروز با هیچ مردم سخن نخواهم گفت.»

«فَأَنْتَ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا، يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا»

«عیسی «ع» را برگرفت و آورد او را بقوم خویش گفتند ای مریم چیزی آوردی سخت شگفت و منکر، ای خواهر هارون، پدر تو مردی بد نبود و مادر تو زانیه نبود و پلیدکار.»

«فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»

«چون از مریم پاسخ خواستند» اشارت بعیسی نمود. گفتند چون سخن گوئیم با کسی که در گهواره است کودکی خرد. عیسی «ع» گفت: «آنکه در گهواره بود شیرخواره» من بنده الله تعالی ام. مرا دین داد و کتاب و مرا پیغامبر کرد.»

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا، وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۲۴ الی ۲۶)

- حمل روح الله

بکر فکرم زنفخه خلقت همچو مریم بروح حامل باد
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۶۶)

تلمیح به قسمتی از آیه ۱۷ سوره مبارکه المريم:

« فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا »

«بوی فرستادیم روح خویش «جبرئیل» تابسان مردمی پیش وی بپای ایستاد جوانی تمام

نیکو روی. « (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۲۳)

چو مریم بدوشیزگی گشت حامل از آن شد بطفلی محرر شکوفه
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۳۵)

دم باد روح القدس بود از آن شد به پیرانه سر بچه آور شکوفه
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۳۵)

- بشارت حضرت عیسی (ع)

کمال‌الدین اسماعیل در ابیاتی به مژده‌ی مسیح برای ظهور خاتم‌المسین اشاره می‌کند. و با حسن تعلیلی زیبا، علت نفس روح بخش حضرت مسیح را، افشای این خبر مبارک می‌خواند.

عیسی زمقدم تو بایام مژده داد از یمن آن سخن نفسش جان بمرده داد
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۳)

مصراع اول تلمیح به آیه ۶ سوره مبارکه الصف:

« وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ النُّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ »

«عیسی مریم گفت: ای فرزندان یعقوب من فرستاده‌ی الله ام بشما. راست دارنده و پذیرنده آن نامه که پیش من فرود آمد و مژده دهنده برسولی که از پس من آید نام او چون بایشان آمد عیسی «ع» با معجزه‌های روشن گفتند که: این سحر است جادویی آشکار.» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ۸۱)

و مصراع دوم تلمیح به قسمتی از آیه ۱۱۰ سوره مبارکه المائده:

« وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي »

«و می‌سازی از گل برسان مرغ بدستوری من و درست میکنی نابینای مادرزاد را و مردم پس را بدستوری من و مردگانرا از گور زنده بیرون می‌آری بدستوری من.» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۲۵۹)

- معجزات حضرت عیسی (ع)

- دم معجزه گر

عیسی شدند خلق و بدم زنده میکنند هر آتشی که کشته شد از عهد باستان
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۸۶)

تلمیح به قسمتی از آیه ۴۹ سوره آل عمران:

«أَنْي أَخْلُقُ لَكُمْ مِّنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ

وَالْأَبْرَصَ وَأُخْيِيَ الْمَوْتَى بِأُذُنِ اللَّهِ»

«می سازم برای شما از گل برسان مرغ پس می دمم در آن پس می شود پرنده ای بدستوری خدای و بی عیب کنم اکمه و پیس را و زنده کنم مردگان را بدستوری خدا.» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۱۱۵)

چو عیسی بیکدم ببرد از درختان صبا آن برص رنگ منکر شکوفه
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۳۴)

ای عیسی زمانه چه داری؟ دمی بزن کین درد گشت مزمن و درمان پدیدنیست
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۲۶۲)

زمعجزات دم خلق تست عیسی وار به نوبهاران جام در دم صبا کردن
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۳۹۸)

«عیسی مظهر طبابت است زیرا علاوه بر زنده کردن مرده که معجزه اوست کور مادرزاد و ابرص را نیز شفاداده بود. «مائه، ۱۱۰» «وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأُذُنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأُذُنِي...» وقتی که آموختم ترا کتاب و حکمت و تورات و انجیل و هنگامی که می ساختی از گل چون شکل مرغی به رخصت من، پس می میدی در آن پس می شد مرغی به فرمان من و به می گردانیدی کورمادرزاد را و پیس را به فرمان من و وقتی که بیرون می آوردی مردگان را به اذان من... خداوند عیسی را به آسمان چهارم برد.» «بل رفعه الله الیه» (همان: ۴۷۷)

- نطق عیسی در گهواره

کمال الدین نطق حضرت عیسی در گهواره را پرتو لطف و کرم پروردگار ذوالجلال می داند و در ترکیبی دوپهلوی خودش را در سخنوری و نقالی به عیسی یک روزه مانند می کند که مایه ای اعجاب و شگفتی می شود. و از این مضمون در وصف بهار و سوسن و غنچه سخن می راند.

ور عیسی یک روزه ندیدی که سخن گفت نقالی این طفل نوآموز ببینید
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۶۲۸)

قوت ز نطق عیسی اندر مهده پرتو لطف ذوالجلال بود
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹۸۸)

سوسن بسان عیسی یک روزه گشته ناطق غنچه بسان مریم، دوشیزه گشته حامل
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹۸)

تلمیح به آیات ۲۹ و ۳۰ سوره مبارکه مریم:

«فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ

وَجَعَلَنِي نَبِيًّا»

«چون از مریم پاسخ خواستند» اشارت بیسی نمودگفتند چون سخن گوئیم با کسی که در گهواره است کودکی خرد، عیسی گفت «آنکه که در گهواره بود شیرخواره» من بنده الله تعالی ام مرا دین داد و کتاب و مرا پیغامبر کرد.» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۶، ۲۵)

«و مرا با برکت کرد هر جا که باشم و مرا اندرز کرد بنماز و زکات تا زنده باشم و مهربان ب مادر خویش و مرا نابخشاینده ای بدبخت نکرد.»

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا، ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ»

«و درود «الله تعالی» بر من، بآن روز که زیم و آن روز که میرم و آن روز که مرا انگیزانند زنده. اینست عیسی مریم سخن خدای، آن عیسی که در و پیکار «ترسایان» سخن جداجد می گویند.»

«مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ، وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

«نیست خدایا که هیچ فرزند گیرد پاکی و بی عیبی او را چون کاری خواهد که کند جز زان نبود که گوید باش تا می بود الله تعالی خداوند منست و خداوند شما او را پرستید که راه راست اینست.»

«فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ»

«جوقهای ترسایان مختلف سخن شدند «و هر یکی چیزی گفتند در کار او» ویل ایشانرا و نفرین و نفریغ ایشانرا که کافر شدند از حاضر شدن در روزی بزرگ.» (همان: ۲۶)

– مائده ی عیسوی

در مدح و ارج عنایتِ ممدوح، چنین می‌سراید:

گر استماع تو تشریف نظم بنده دهد کند بمائده عیسویش مهمانی
(اصفهان، ۱۳۴۸: ۲۴۶)

تلمیح به آیات ۱۱۱ الی ۱۱۵ سوره مبارکه المائده:

«وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ، إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ نَسْطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

«و یاد کن آنکه که پیغام کردم و در دل‌های حواریان دادم که بگروید بمن و بفرستاده من، گفتند که بگرویدیم، و گواه باش که ما گردن نهادگانیم و مسلمانان یاد کن که حواریان گفتند تواند خدای تو که فرو فرستند بر ما خوردنی از آسمان گفت عیسی از خشم خدای بپرهیزید اگر

گرویدگان اید «برو تحکم مکنید و چیزی نخواهید که از آن بلاخیزد.»
 «قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونُ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ،
 قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوْلَادِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ
 وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»

«گفتند می خواهیم که از آن بخوریم و دلهای ما آرام افزایشد بآن و ببینیم که تو راست گفتی
 با ما که از و بما پیغامبری و بر آن گواهان باشیم خداپرا و تراه عیسی گفت خداوند ما، فرو فرست
 بر ما مائده ای از آسمان تا ما را آن مائده عید بود «روزی نامدار و کاری نامور» ما را که
 پیشینیانیم و ایشانرا که پسینان باشند و نشانی بود از تو و روزی ده ما را و تو بهتر روزی
 دهانی.»

«قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَأُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِّنَ
 الْعَالَمِينَ»

«خدای گفت: من فرو فرستنده آنم بر شما و هر که کافر شود بعد از آن شما من ویرا عذاب
 کنم بعدایی که کس را عذاب نکردم از جهانیان بآن عذاب.» (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ۲۵۹، ۲۶۰)

– حضرت عیسی (ع) و دجال و مرکبش

خر عیسی (ع) در ادبیات فارسی نماد مادیات و جسم است در برابر عیسی (ع) که مظهر
 روح و جان است.

خرد گواه من است اندرین که چون عیسی نشد بواسطه خر بر آسمان دجال
 (اصفهانی، ۱۳۴۸: ۱۹۴)

«دجال به زعم اهل سنت پیش از نزول عیسی «ع» از آسمان و به عقیده بقیه شیعیان
 پیش از ظهور مهدی «عج» خروج کند و دعوی خدایی کند و خلق را بفریبید و باعث فساد و
 تباهی فراوان شود تا سرانجام به وسیله خاتم الاولیا که عیسی یا مهدی «عج» باشد از بین برود
 و فتنه اش خاتمه پذیرد.» (ابن عربی، ۱۳۸۴: ۲۷۶)

– عروج حضرت عیسی (ع) به افلاک

شاعر برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب از عروج مسیح وار آهش بر افلاک سخن می گوید.
 آه از برم چو عیسی سربه فلک نهد اشک از رخم بخاک چوقارون فروشود
 (اصفهانی، ۱۳۴۸: ۳۲۳)

«حضرت مسیح را کاهنان یهود نزد پیلاتوس حاکم فلسطین بردند وی از صدور دستور قتل
 خودداری کرد ولی کاهنان یهود در این کار پافشاری کردند. پیلاتوس برائت خود را از خون مسیح
 اظهار داشت و او را به دست یهود سپرد. یهودیان نادان تاجی از خار بر سر مسیح گذاشتند و به
 تمسخر او را خطاب کرده و گفتند: قصد داشتی پادشاه یهود شوی واینک تاجی از خار یافته ای

آنگاه او را در میان دو دزد به دار آویختند. حضرت عیسی پس از سه روز زنده شد و از قبر برخاست و بعد از دوازده روز به آسمان صعود کرد. عده ای از مسیحیون من جمله (سبلیدیس) منکر صلیب مسیح هستند اینان می‌گویند شخصی که صلیب مسیح را حمل می‌کرد به صورت مسیح درآمد و به اشتباه او را به دار آویختند و این مضمون در احادیث اسلامی نیز موجود است. حضرت مسیح در زمان ظهور مهدی به جهان بازمی‌گردد و به مهدی موعود در نماز اقتدا می‌کند و همه پیروان خود را به دین اسلام و ولایت مهدی موعود وامیدارد. «(خزائلی، ۱۳۵۰: ۴۷۲)

فهرست سوره ها و آیاتی که نام عیسی (ع) در آن ذکر شده است.

نام سوره	شماره سوره	شماره های آیات	نام سوره	شماره سوره	شماره های آیات
بقره	۲	۸۷-۱۳۶-۲۵۳	مومنون	۲۳	۵۰
آل عمران	۳	۴۵-۵۲-۵۵-۵۹-۸۴	احزاب	۳۳	۷
نساء	۴	۱۵۷-۱۶۳-۱۷۱-۱۷۲	شوری	۴۲	۱۳
مائده	۵	۱۷-۴۶-۷۲-۷۵-۷۸-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۴-۱۱۶	زخرف	۴۳	۵۷-۶۳
انعام	۶	۷۵	حدید	۵۷	۲۷
توبه	۹	۳۰-۳۱	صف	۶۱	۶-۱۴
مریم	۱۹	۳۴			

نتیجه‌گیری

اشاره به وقایع زندگی انبیاء الهی یکی از شگردهای تأثیرگذار سخنوران در بیان اندیشه‌ها و مبانی اعتقادی است. یکی از این سخن‌دانان مؤمن، کمال الدین اسماعیل اصفهانی است که افکار و عقاید و تجارب روحی و فرهنگی و اجتماعی او با علوم قرآنی در هم آمیخته و در خلال سخن نکاتی از احوال اولیا و انبیا را تقریر می‌نماید. یکی از پیامبران محبوب و تأثیرگذار در دیوان وی، حضرت عیسی (ع) است که در آینه اندیشه کمال اسماعیل چهره‌ای نجیب و شگفت‌انگیز دارد. که پرتو عنایت ذوالجلال پیش از تولد با وی همراه بود و خیر و برکت را برای هم‌عصرانش به ارمغان آورد و درمانگر دردهای لاعلاج روحانی و جسمانی مردم روزگارش شد. از ایات کمال چنین بر می‌آید که هدف وی از بیان یاد و نام حضرت مسیح (ع)، قصه‌گویی و داستان‌پردازی نیست بلکه کمال الدین اصفهانی با اشاره‌هایی لطیف و مستقیم یا غیر مستقیم، برای مبالغه در شرح احوالات خویش و وصف ممدوح و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب، حوادث شگفت زندگی آن حضرت را دست‌مایه بیانات زیبایش قرار می‌دهد.

فهرست منابع

۱. اصفهانی، کمال الدین اسماعیل، ۱۳۴۸، تصحیح بحرالعلومی، دیوان اشعار، تهران.
۲. الهی قمشه ای، محی الدین، مهدی، ۱۳۸۵، ترجمه قرآن الکریم، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیا.
۳. انوری، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ بزرگ سخن، ۸ جلد، تهران، انتشارات سخن.
۴. پاک نژاد، سید مسعود، ۱۳۸۸، کمال سخن، اصفهان، گفتمان اندیشه ی معاصر.
۵. پورنامداریان، تقی، ۱۳۶۹، داستان پیامبران در کلیات شمس، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات فرهنگی.
۶. حسینی دشتی، سیدمصطفی، ۱۳۸۵، معارف و معاریف ۵ جلد، تهران، موسسه فرهنگی آرایه.
۷. حسینی کازرونی، سیداحمد، ۱۳۸۵، زندگی نامه شاعران بزرگ ایران، از رودکی سمرقندی تا شفیعی کدکنی، دوران هزارساله شعر فارسی، تهران، انتشارات ارمغان.
۸. حیرت سجادی، سید عبدالحمید، ۱۳۷۱، تأثیر قرآن بر نظم فارسی، تهران، امیر کبیر.
۹. خزائلی، محمد، ۱۳۵۰، اعلام قرآن، تهران، امیر کبیر.
۱۰. درافشانی، مرتضی، ۱۳۸۸، فرهنگ اسامی پیامبران در شعر شاعران، مشهد، آهنگ قلم.
۱۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۲، لغت نامه، تهران، مجلس شورای ملی، سیروس.
۱۲. سجادی، سیدضیاءالدین، ۱۳۷۸، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، طهوری.
۱۳. _____، ۱۳۸۲، فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی شروانی، تهران، انتشارات انوار.
۱۴. سمرقندی، دولت شاه، ۱۳۸۲، تذکره الشعراء، به اهتمام ادوارد براون، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۵. شمیسا، سیروس، ۱۳۸۶، فرهنگ تلمیحات، تهران، انتشارات فردوسی.
۱۶. _____، ۱۳۸۷، فرهنگ اشارات، تهران، انتشارات فردوسی.
۱۷. شیحکی، زهرا، ۱۳۸۹، اشارات، تلمیحات، اصطلاحات و اعلام در دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی (بخش ۲)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان.
۱۸. صفا، ذبیح ...، ۱۳۸۰، تاریخ ادبیات ایران، تهران، انتشارات فردوسی.
۱۹. عادل، محمد رضا، ۱۳۷۵، فرهنگ عبارت های عربی در شعر فارسی، تهران، امیر کبیر.
۲۰. فروزانفر، بدیع الزمان، ۱۳۸۱، احادیث و قصص مثنوی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲۱. _____، ۱۳۶۷، شرح مثنوی شریف، چاپ چهارم، تهران، انتشارات زوار.
۲۲. قرشی، علی اکبر، ۱۳۵۳، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. کزازی، جلال الدین، ۱۳۸۰، در دریای دری (نگاهی به تاریخ شعر فارسی)، تهران، نشر مرکز.
۲۴. مصاحب، غلامحسین، ۱۳۷۴، دائرة المعارف فارسی، تهران، انتشارات سپهر امیر کبیر.

۲۵. معین، محمد، ۱۳۷۶، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۶. نوربخش، جواد، ۱۳۷۸، فرهنگ نوربخش، اصطلاحات تصوّف، تهران، انتشارات یلدا قلم.
۲۷. مهیار، محمد، ۱۳۷۸، جان معنی، قم، شرکت باورداران.
۲۸. نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف، ۱۳۴۰، قصص الانبیا، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۲۹. یغمایی، حبیب، ۱۳۴۷، ترجمه تفسیر طبری، چاپ سوم، تهران، انتشارات توس.